

نوع مقاله: پژوهشی


بررسی تطبیقی مفهوم «اشا» و «دهرمه» در سنت هندوی و زرتشتی

کلیه ولی الله نصیری / استادیار گروه ادیان و عرفان تطبیقی دانشگاه شهرکرد

nasiri@sku.ac.ir  orcid.org/0000-0002-9967-3277

simin_yari494@yahoo.com

سیمین یاری / دانشجوی دکتری ادیان و عرفان دانشگاه فردوسی مشهد

 <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

چکیده

ارائه تعریفی واحد از «دهرمه» (حق) که جزو آموزه‌های مبتنی بر وداهاست، مشکل به نظر می‌رسد. دهرمه همانند آب که نمی‌تواند موجب حرکت ماهی در رودخانه شود، نمی‌تواند باعث حرکت یک شیء نامتحرک گردد، بلکه می‌تواند به حرکت اشیای متحرک کمک کند. دهرمه سرمدی، لازمان، بی‌شکل و نامتحرک است و بر سراسر فضای جهان سیطره دارد. «اشا» به معنای درست‌کرداری، حقیقت و نظم است. از سوی دیگر «اشا» به معنای قانون طبیعی ناظر بر حرکت منظم خورشید، گردش فصل‌ها و دوام هستی است. در این جستار به معانی متفاوت «دهرمه» و «اشا» اشاره شده و این دو در سنت دینی هندوی و زرتشتی با یکدیگر مقایسه شده‌اند. در جستار حاضر کوشش شده است به صورت کیفی - تحلیلی و به روش کتابخانه‌ای شباهت‌ها و تفاوت‌های دو مفهوم مزبور بیان شود. با توجه به بررسی‌های انجام‌یافته، دهرمه و اشا مفاهیمی بسیار نزدیک به هم دارند و این می‌تواند ریشه در سنت مشترک هند و ایرانیان باستان قبل از مهاجرت داشته باشد. علاوه بر مشابهت در معنا، تقریباً دارای اهداف یکسانی نیز هستند و آن هدف چیزی جز سعادت و نیک‌بختی نیست.

کلیدواژه‌ها: دهرمه، اشا، متون هندوی، سنت زرتشتی.

«دهرمه» مفهوم مهمی است که در فلسفه‌های مقدس بسیاری در شبه‌جزیره هند، از جمله در هندوئیسم، بودیزم، جاینیزم و سیکیزم یافت می‌شود. «دهرمه» فراگیرترین مفهوم در ادیان آسیای جنوبی است و در فرهنگ هندویی از اهمیت بسزایی برخوردار است. کل سنگ‌بنای هندوئیسم براساس دهرمه است و داستان‌های آن برای قرن‌ها الهام‌بخش نسل‌های انسانی بوده است (ماتیلال، ۱۹۸۹، ص ۵۳).

این مفهوم دارای تعاریف متعددی است. در حقیقت دهرمه دارای محتوای اخلاقی و دینی و شیوه درست زندگی بوده و در فرهنگ هندویی از اهمیت بسزایی برخوردار است (پارتریج، ۱۳۹۲، ص ۴۹۰).

دهرمه توانسته است جایگاه خاصی را در فرهنگ هندویی برای خود کسب نماید. به همین سبب لازم است که این اصول بهتر شناخته شوند تا زمینه آشنایی بیشتر با فرهنگ غنی هندویی را فراهم کند.

از سوی دیگر مفهوم مهم «اشا» در سنت زرتشتی وجود دارد که با مطالعه آن پی می‌بریم تشابهات معنایی و مضامین مشترکی با «دهرمه» در سنت بودایی هند دارد. هدف جستار حاضر بررسی دو مفهوم «اشا» و «دهرمه» و مقایسه آن دو با همدیگر است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است. این جستار که به روش «کتابخانه‌ای» و «تحلیل محتوا» انجام یافته، با بررسی کتب متفاوت در این زمینه، توانسته است مطالب ذی‌ربط را جمع‌آوری و به بررسی آنها بپردازد و هیچ منبع خاص و یا مقاله‌ای که این موضوع را به صورت تخصصی بررسی کرده باشد، یافت نشد.

روش بررسی جستار حاضر «توصیفی و تحلیلی» است. با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات درباره «دهرمه» و «اشا» اطلاعات لازم جمع‌آوری و تحلیل گردید. از متون اصلی و منابع درجه اول آثار هندویی و زرتشتی استفاده شد و همچنین به مقالات و کتب تحلیلی درباره دهرمه و اشا مراجعه و این موضوع بررسی گردید.

۱. مفهوم «دهرمه» در سنت هندویی

«دهرمه» یکی از مهم‌ترین اصطلاحات ادبی و دینی در زبان سانسکریت است. این واژه به صورت‌های متفاوت و در عین حال حیرت‌انگیز ترجمه شده است. در زبان انگلیسی به لحاظ معنایی یکسان و مشابه نیست و تعبیرات متنوعی را می‌توان از آن ارائه داد. دهرمه که مبنای تفکر دینی فلسفی شرق آسیاست، ریشه در تاریخ دینی هندوها دارد و برای اولین بار در وداها مطرح شده و سپس در متون و ادبیات دوره‌های بعد، معانی متعددی یافته است. این مفهوم دارای معانی بسیاری در بطن خویش است. دهرمه در دین هندو، نظم کیهانی، رفتار اخلاقی و قانون وجود در نظر گرفته می‌شود (پارتریج، ۱۳۹۲، ص ۴۸۷).

از دیدگاه هندو، دهرمه به ما یادآوری می‌کند که یک نظم طبیعی در کیهان وجود دارد؛ آنچه در وداها «گرودا» (Garuda) نامیده می‌شود که مسئول کارکرد درست دوره‌ها و حرکات و فعالیت‌های زندگی است.

وقتی متون مقدس را مطالعه می‌کنیم وارد دهرمه و هم‌صف با آن قانون ابدی می‌شویم که یادآور تائوست. بدین‌سان در زندگی‌مان حکمت می‌طلبیم تا حیاتی روشن بیابیم. همچنین در معناهای دیگری، از جمله قوانین مقدس، عدالت، طبقات اجتماعی، شایستگی و لیاقت دینی، وظیفه یا مجموع همه اعمالی که انجام می‌دهیم به کار رفته است. هریک از این معانی دقیقاً از دیگری گرفته شده است. ترجمه «دهرمه» از متن اصلی به انگلیسی و طبیعتاً فارسی مشکل است.

همان‌گونه که اشاره شد، گاهی به مفهوم «اخلاق» و «دین» به کار می‌رود یا به مجموعه‌ای از وظایف که وضعیتی خاص را توصیف می‌کند، اشاره دارد. مفهوم «دهرمه» مافوق دین است. ناآگاهان «دهرمه» را به معنای دین می‌دانند، در حالی که علاوه بر این، معانی بیشتری دارد (شوکلا، ۲۰۱۰، ص ۴۳).

مهارج معتقد است: ارائه تعریف و تبیین خاصی از «دهرمه» آسان نیست؛ زیرا این کلمه در معانی و مفاهیم گوناگونی به کار رفته و حیطه آن گسترده است. شاید این یکی از بحث‌برانگیزترین کلمات در متون هندو باشد. «دهرمه» معنایی مشابه با «ریتا» (Rta) دارد؛ اما مفهوم و کاربرد «دهرمه» در متون ادبی هندو به صورت گسترده بیان شده و به معنای چیزی است که حفظ می‌کند و بر هر جنبه از جهان حکم می‌راند. او خود اساس جهان است. او به صورت تمام عیار و فراگیر، خود را در زندگی و طبیعت متجلی می‌کند. «دهرمه» جانشین مفهوم ودایی «ریتا» شد. هندوهای ودایی «ریتا» را اصل هماهنگی و نظم جهان می‌دانند (رینهارت، ۲۰۰۴، ص ۱۶۲).

«وداها» اولین منبع معتبری هستند که درباره دهرمه بحث کرده‌اند. این واژه ۵۶ بار در *ریگ ودا* ظاهر شده، اما هر بار تفاوت معنایی در آنها دیده می‌شود (ساوانت، ۲۰۱۱، ص ۳۹).

خیلی چیزها مایه حیات ریتا هستند. ستایش ریتا موجب از بین رفتن بی‌عدالتی و بی‌انصافی می‌شود و ستایش خردمندان و باشکوه ریتا گوش‌های ناشنای انسان را شنوا می‌کند (ریگ ودا، ۱۸۵۷، ص ۱۶۷).

اصطلاح دهرمه در مکتب «میمانسا» که برای مناسک دینی اهمیت بسیاری قائل است، به معنای «وظیفه و تکلیف شرعی» است یا آنچه باید انجام داد. در این مکتب، «دهرمه» مفهومی کنشگر دارد، در حالی که — برای مثال — در مکتب بودایی، «دهرمه» مفهومی سکوت‌گرایانه و بی‌کنش دارد. هدف ممتاز این مکتب که کعبه آمال سایر مکاتب فکری و نظری هندوان نیز هست، «مکشه» (Muksha) است، و این معرفت تحقق نمی‌پذیرد، مگر به موجب فضیلت خاصی که ایمان و اکرام و احسان آدمی و عنایت ایزدی و حق و آیین و کلام ودایی را شامل می‌شود و اساس هرگونه معلومات و مبنای هر پیشرفت و کمال معنوی است (کری‌یر، ۱۳۹۰، ص ۲۴۷؛ دوبودی، ۲۰۱۶، ص ۱۵۸).

«مکشه» به معنای از بین بردن کامل «کرمه» و تخلیه شدن از آن است. مکشه در هند انگیزه‌ای برای تلاش در مسیر حرکت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود و نیرویی انگیزشی برای اخلاق و برقراری دهرمه است (تیواری، ۱۹۹۸، ص ۱۵۹).

دهرمة قابل دستکاری و به نفع طبقات بالاتر بوده است. این به آن علت است که در شرح‌ها و تفسیرهایی که از دهرمة شده، به‌مثابه هنجار در نظر گرفته می‌شود و به صورت پیش‌فرض و انتخابی از دهرمة به حقیقت و واقعیت ترجمه شده است. «دهرمة» همان فضیلت است. «دهرمة» (شیوۀ درست زندگی) چیزی است که هندوئیسم به‌جای تصدیق آموزهای خاص، بر آن تأکید می‌ورزد (پارتریج، ۱۳۹۲، ص ۴۹۰).

افرادى همچون رایا و گنگولی و پارتریج «دهرمة» را به معنای اخلاق می‌دانند (پارتریج، ۱۳۹۲، ص ۴۸۷). گراتیس می‌گوید: «دهرمة» مفهومی مشابه اخلاق دارد؛ مثل اینکه به فردی بگویند: «زدی نکن» یا «با همسایه‌ها رفتار خوبی داشته باش». اما معنای آن محدود به اخلاق نیست و فراتر از آن است (گیرتر، ۲۰۱۱، ص ۱). درست است که اینها در زندگی ضروری‌اند، اما دهرمة بعداً به مفهومی فراتر از اخلاق تبدیل شد. دهرمة بر اعمال و طبقات اجتماعی نیز دلالت دارد. برای مثال، در ادبیات حماسی هند گفته شده است که دهرمة مربوط به شودرا آن است که به سه طایفه «برهمن»، «کشتریه» و «وایشیه» خدمت کند (نقیب‌خان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۰). کار برهمن در «گیتا»، آموزش و کمک به مردم برای درک خداست. عمل یا دهرمة خاص «کشاتریا» شجاعت و حفاظت از جامعه است. «وایشیه» خود را با تجارت سرگرم می‌کند و این دهرمة ویژه اوست. در اینجا منظور از دهرمة می‌تواند وظیفه باشد. اگر این افراد از دهرمة خود پیروی نکنند، جهان آنچنان که باید، سپری نمی‌شود (بهگود گیتا، ۲۰۱۲، ج ۱۳، ص ۴).

دهرمة علاوه بر نظم فردی و تکالیف و وظیفۀ شخصی، در زمینه نجات، مفهومی اجتماعی هم هست، به‌ویژه در متون حماسی هندو. برای مثال، در متون مقدس **مهابهارت** آنچه از دهرمة استنباط می‌گردد وظیفه‌ای است مرتبط با کاست و در جهت نظم جامعه و در نهایت، جهان. کریشنا مفهوم شگفت‌انگیزی را از دهرمة ارائه می‌کند و آن اینکه دهرمة را علاوه بر داشتن معنای نظم و وظیفۀ شخصی، دارای مفهومی اجتماعی هم می‌داند (رایا و گانگولی، ۱۸۸۴، ص ۷۰).

«دهرمة»، هم به معنای شریعت و وظایف شرعی تلقی شده است و هم به معنای نظام اخلاقی. حتی هندیان برای آنچه ما امروزه «دین» می‌نامیم واژه «دهرمة» را قرار داده‌اند؛ یعنی در هند «دهرمة» که مفهومی اخلاقی محسوب می‌شود، معادل و مترادف با «دین» هم قرار داده شده است. همچنین به معنای عدالت و قضاوت آمده است که قامتی سفید دارد و در مقابل دهرمة‌ای قرار دارد که نماد ظلم و جور است (ریگ ودا، ۱۸۵۷، ص ۱۶۷).

علاوه بر این دهرمة که جزو خدایان متأخر هندوست، جزو خدایان **مهابهارتا** نیز هست (باک، ۲۰۰۰، ص ۱۲۱). نیز گفته شده که خدای دهرمة از جهان خلقت پشتیبانی می‌کند و آن را حفظ می‌نماید (رایا و گانگولی، ۱۸۸۶، ص ۲۷۶).

با وجود تعاریف گوناگونی که از این مفهوم ارائه گشته است، هندوان اکنون آن را بیشتر در ارتباط با جامعه مطرح می‌کنند و بر مفهوم عاملی که انسجام و اتحاد را حفظ می‌کند، تأکید می‌ورزند. مفهوم «دهرمة» گنج‌کننده

است، اما زندگی نیکوکارانه و ذات شخص را دربر می‌گیرد. دهرمه دارای ویژگی درونی یک موجود یا یک چیز است (داماجوتی، ۲۰۱۲، ص ۳۲۲).

بهترین مثالی که می‌توان در این باره زد، نگاه کردن به آتش است. دهرمه آتش، گرماست. دهرمه آب، رطوبت است. دهرمه شیر، خوردن گوشت و خوابیدن است.

دهرمه از آن جهت «دهرمه» نامیده شده که همه چیز را حفظ و از فرد و جامعه پشتیبانی می‌کند. دهرمه از اصول اخلاقی حمایت می‌کند. او همه چیز را در هماهنگی و انسجام نگه می‌دارد. «دهرمه» در این مفهوم به معنای خداست. دهرمه علاوه بر معانی وسیعی که برای آن ذکر شده، جزو خدایان متأخر هندوست (باک، ۲۰۰۰، ص ۱۲۱).

دهرمه به‌عنوان یکی از خدایان در «مهابهارت» مطرح است. خدایی با عنوان «خدای دهرمه»، کارکردش این‌گونه است که از جهان خلقت، پشتیبانی و آن را محافظت می‌نماید (رایا و گانگولی، ۱۸۸۶، ص ۲۷۶).

«دهرمه» از ریشه کلمه «Dhri» یا «dri» به معنای حفظ و نگهداری است. منظور حفظ و مراقبت از جهان و چیزهای خوب است؛ به این معنا که مسئولیت و وظیفه را به انجام یا به کمال برسانیم. یا به معنای ایفای نقش ما در جامعه برای ایجاد جهان بهتر است. بنابراین دهرمه به سلوکی که هماهنگی را در جامعه ارتقا می‌بخشد، منجر شده، به رشد آن کمک و سعادت آن را تضمین می‌کند.

برای مثال، شخص نباید برای دیگران کاری را انجام دهد که برای خودش ناخوشایند است، یا به عبارت دیگر هر چه شخص برای خود می‌پسندد باید برای دیگری نیز پسندد (متیلال، ۲۰۱۴، ص ۵۳).

هدف دهرمه از این کار، بهتر شدن و بهبود و تکامل جامعه است. دهرمه آن چیزی است که متحد به سمت جلو راهبری می‌کند. افراد انسانی در جامعه زندگی می‌کنند و در آن گنجانده می‌شوند. جامعه جایی است که علی‌رغم تفاوت‌ها و تنوع‌های موجود در آن، اتحاد وجود دارد. باید همبستگی اجتماعی بین افراد همه طبقات، حاکمان و مردمان، همسایگان و بین همه مردم برقرار باشد. دهرمه می‌طلبد که همه همفکر باشند؛ مثل هم، و انسجام داشته باشند. اگر انسجام در جامعه وجود نداشته باشد دهرمه دست به کار می‌شود. دهرمه می‌خواهد فرد و جامعه را بهبود بخشد. دهرمه ارتباط تنگاتنگی با جامعه و فرد دارد. دهرمه نمی‌تواند در جامعه‌ای حاکم باشد که فرد - و نه جامعه - سود ببرد، یا حکمرانان - و نه فرد - سود ببرند. نباید افراد جامعه شبیه آجری باشند که کیفیت لازم را ندارد. در غیر این صورت فرومی‌ریزد. یا نباید در جامعه هر شخص به دنبال نفع شخصی باشد. این هم به این صورت است که آجرهای فراوان و با کیفیت وجود دارند، اما هر کدام جداگانه‌اند و برای ساخت یک بنا به‌کاربرده نمی‌شوند. در این صورت حکمرانان هم که بر بالای بنا نشسته‌اند با موفقیت روبه‌رو نخواهند شد؛ زیرا بنا باید پایه محکمی داشته باشد.

دهرمه می‌گوید: افراد بدون جامعه و جامعه بدون افراد فایده و قدرتی ندارند. اگر اتحاد نباشد زندگی از هم می‌گسلد. دهرمه با متحد کردن افراد و جامعه و در سطح وسیع‌تر جهان، آنها را قوی می‌کند و آنها را با کل متحد

می‌کند. دهرمه چنین حالتی دارد. دهرمه در نظر برخی هندوان، مجموعه‌ای از قوانین و دستورات قدیمی نیست که توسط افراد در کتاب‌ها نوشته شده است؛ زیرا آن قوانین اگر در خدمت فرد و جامعه نباشند و آنها را متحد نکنند فایده‌ای ندارند؛ یا باید کنار گذاشته شوند یا اصلاح و تکمیل گردند.

حال نتیجه پیروی ما از دهرمه که کارش خدمت به جامعه و فرد است، شر یا نیکبختی (مکشه) است. پیروی از دهرمه در نهایت، «مکشه» را در پی دارد؛ بدین‌سان جامعه با پیروی از دهرمه به نیکبختی می‌رسد. منظور از نیکبختی صرفاً ثروت نیست؛ زیرا ثروت نمی‌تواند انسان را به کمال برساند و باید همراه با امنیت و آرامش ذهنی باشد. جامعه با اتحاد و همدلی و یکی شدن که توسط دهرمه رخ می‌دهد، به نیکبختی و سعادت می‌رسد. دهرمه وسیله نیکبختی همه‌جانبه است. در غیر این صورت، جامعه از کار افتاده می‌شود و کارایی نخواهد داشت. دهرمه است که جامعه را سر پا و پویا نگه می‌دارد. فرد باید دهرمه را عملی کند.

بنابراین حکیمان ودایی درصدد اتحاد جامعه و زدودن ناسازگاری میان قبایل گوناگون و نژادها از طریق جذب جامعه از طریق دهرمه‌اند. هدف دهرمه فهم زندگی برونی افراد و مهار آن از طریق تکامل درونی است. دهرمه دو جنبه فردی و اجتماعی دارد که با توجه به وظایف و موقعیت هر کدام در جریان است (سایگال، ۲۰۰۰، ص ۱۰۴). بنابراین، انجام و عمل به دهرمه، فراتر از صرف هدف یک فرد در زندگی است.

هرکه کرمه و کار از طریق عقل و شاستره کند باز دولت‌مند شود. ای یودیشیترا، هر کاری که مردمان اهانت آن کنند آن کار را اگر بهتر باشد، باید گذاشت. «هونه» دهرمه است که از خواندن و شنیدن شاستره و عمل خوب آن همه چیز میسر می‌شود (نقیب‌خان، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۱۳).

ما دارای ذهن و عقل و بدن هستیم. عقل به اندیشه‌ها می‌اندیشد، ذهن عواطف را احساس، و بدن اشیا را درک می‌کند. عقل و بدن و ذهن را همه دارا هستند، اما مشکل اینجاست که این سه در هماهنگی با هم عمل نمی‌کنند. همساز نیستند. بدن اشتیاق به چیزی دارد که عقل آن را نفی می‌کند، در حالی که باید با تفکر ما در یک مسیر و همساز و متمرکز باشد. همه قدرت ما از تفکرمان نشئت می‌گیرد. دهرمه ذهن و عقل و بدن افراد را منسجم می‌کند و سپس جامعه را.

برای اینکه قدرت هماهنگی با دهرمه را داشته باشیم نباید ناامید شویم. باید حتی در سخت‌ترین شرایط، روحیه پذیرا بودن حق، حق‌شنوی، خلوص قلب، دوری از حسادت و سعی در داشتن کمال شخصیتی داشت تا صاحب بسیاری موفقیت‌ها شد. پس دهرمه معانی زیادی را دربر می‌گیرد که با آن شخص از رنج و چرخه تولد و مرگ یا آنچه «سمساره» نامیده می‌شود، فراتر می‌رود. یکی از معناهای «دهرمه» اشاره به مسئولیت فردی و اجتماعی دارد. شخص دهرمه سیاسی، اجتماعی و خانوادگی دارد، اما مهم‌ترین دهرمه، دهرمه مقدس و معنوی است.

در بهگود گیتا که یکی از مهم‌ترین متون مقدس هندیان است، خدای مشهور کریشنا آموزش می‌دهد که بالاترین دهرمه ما این است که به فهم و درک معنوی نائل شویم که به این معناست که خود واقعی‌مان را (آتمن) که آگاهی مطلق است، درک کنیم و ارتباطمان را با الوهیت بهبود ببخشیم.

دهرمه توجه زیادی به اعمال انسانی و اخلاقی برای زیستن در این دنیا و آزادی روح می‌کند. از این رو به نظر می‌رسد که انسان تنها با عمل نیک و فضایل اخلاقی (دهرمه) است که می‌تواند در مراحل بعدی زندگی‌اش در قالبی بهتر از قالب قبلی‌اش جای گیرد. «مکشه» یعنی از بین بردن کامل «کرمه» و تخلیه شدن از آن. «مکشه» در هند به‌مثابه انگیزه‌های برای تلاش در مسیر حرکت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود و یک نیروی انگیزشی برای اخلاق و دهرمه است (تیواری، ۱۹۹۸، ص ۱۵۹).

معنای «دهرمه» این است که کار صحیح را انجام بده، حتی اگر مشکل‌آفرین باشد. هر کاری که به‌قصد ایجاد دهرمه باشد، درست است. «دهرمه» کیفیتی است که به‌موجب آن روح از آرامش بهره می‌گیرد و به نجات می‌پیوندد. «دهرمه» یکی از آموزه‌های مهم ودایی به شمار می‌رود که به‌وفور از آن یاد شده و هدفش رستگاری و نجات انسان است. مفسران هند توضیح می‌دهند که دهرمه بر عملی دلالت دارد که خاصیتی برای روح ایجاد می‌کند که در نهایت سبب رستگاری و رهایی روح می‌شود (حامدی، ۱۳۸۴).

۲. مفهوم «اشا» در سنت زرتشتی

«اشا» از اهمیت بالایی در بین موجودات مینوی برخوردار است و در خود گاتاها/هورامزدا مکرر علاوه بر *امشاسپندان* به موجوداتی از جمله «اشا» متوسل می‌شود؛ مثلاً در یسنا ۲۸ و ۳۰ (داداچانجی، ۱۹۱۳، ص ۴۹).

چون من راستی و منش نیک را جاودان نگه خواهم داشت، تو ای مزدا، به خرد خویش بیاموزان و از دهان خود بیگاهان نخستین جهان چگونه بود؟ (ساسانفر، ۱۳۹۳، بخش یسنا، هات ۲۸، ص ۴۴۰).

اگر شما مردمان آیینی که مزدا فرورستاد از یک‌سو آسایش و از سوی دیگر، رنج زیان‌دیرپایا از برای پیروان دروغ، و سود از برای پیروان راستی، پس آنگاه آینده به کام خواهد بود (همان، بخش یسنا، هات ۳۰، ص ۴۵۶).

«اشا» به معنای راست و درست، دیندار مؤمن، پاک و باتقواست (شهزادی، ۱۳۸۶، ص ۴۲). «اشا» یا «اشو» به معنای پاک و مقدس است.

«اشو» از ریشه «اشا» اوستایی به معنی پاک و راستی است و «اشوان» یعنی: مقدس. در پهلوی، «اهو» به معنی همین است. این واژه به لغت زند و یازند به معنی بهشتی، مقابل دوزخی هست: «هزاران درود و هزاران دعای بر آن ارجمندی اشو پاک‌رای» (اوشیدری، ۱۳۷۱، ص ۱۱۳).

کتاب *یشت‌ها* با بررسی و ریشه‌یابی کلمه «اردیبهشت» معانی آن را آشکار می‌سازد:

«اشا» را در اوستا، «اشاوهیشت» و در پهلوی «اشاوهیشت» یا «ارت وهیشت» و در فارسی «اردیبهشت» گوئیم. جزء اول این کلمه، «اشا» از جمله لغاتی است که معنی آن بسیار منبسط است. راستی و درستی و تقدس و قانون و آیین ایزدی و پاک، جمله از معانی آن است و این کلمه بسیار در اوستا استعمال شده است. فقط در گاتاها که ۸۹۶ بند شعر بیشتر نیست، صد و هشتاد بار کلمه «اشا» تکرار شده است. تخمین معانی آن نیز دشوار است. بسا در یک قطعه یا یک جمله، گاهی به یکی از معانی مذکور است و گاهی از آن فرشته‌ای اراده شده است. در سانسکریت به آن «ریتا» و در لاتینی «راتوس» (Ratus) گویند. جزء دیگر این کلمه که «وهیشت» باشد، صفت تفضیلی است؛ یعنی بهتر. «بهشت» که در فارسی به معنی «فردوس» است، از همین کلمه هست. پس معنی

«اردیبهشت» بهترین راستی و درستی است. در آیین مزدیسنا، آمال و آرزوی هرکسی باید این باشد که از پرتو راستی و درستی خویش از زمره اشوان یا پاکان و مقدسین گردد. کلیه کسانی که پیرو قوانین مزدا و معتقد به دین راستین است، «اشون» خوانده می‌شود. غالباً خود زرتشت در اوستا «اشو» خوانده شده است. آنکه از اشا روی بگرداند و به کیش دروغین گردد «درگونت» (Dragvant) یعنی «پیرو دروغ» نامیده می‌شود (پورداوود، ۲۵۳۶، ص ۹۱-۹۲).

دهرمه قانون ابدی است که بر جهان حکم‌فرمایی می‌کند؛ وظیفه و قانونی است که بر زندگی اشخاص حکم‌فرماست. «اشا» در گات‌ها سزاوار بهترین ستایش‌ها و یاور و پشتیبان اهورامزداست (۵۰:۷). مهرداد بهار نیز «اشا» را به لحاظ لغوی در اینجا به معنای راستی می‌داند (بهار، ۱۳۸۸، ص ۴۲). اصلی‌ترین معنای «اشا» که قریب ۱۸۰ بار در گات‌ها به کار برده شده، بهترین راستی است که نمونه‌های متعددی از گات‌ها مؤید این مدعاست: «راستی رستگاریخش و سودمند است» (۴۹:۳).

«... تا مرا تاب و روان است دل به راستی می‌سپارم» (۴۳:۹).

«... هریک از شما در راستی از دیگری پیشی گیرید تا از زندگی و خانمان خوب برخوردار گردید» (۵۳:۵).

در اوستا آمده است: «اُو پنتائو یو اشا هه» یعنی: راه و روش در زندگی تنها یکی است و آن راستی و اشاست (نیکنام، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳).

البته دیدگاه‌های دیگری نیز وجود دارد. برای مثال، بویس «اشا» را به معنای نظم تلقی می‌کند که عدل و داد می‌گسترده و رفتار نیک مردم را سبب می‌شود و اداره جهان را به عهده می‌گیرد (بویس و دیگران، ۱۳۴۸، ص ۱۰۸). بویس در کتاب *مقدمه‌ای بر دین ایران باستان* «اشا» را به معنای «ریتا» یا راستی می‌داند (بویس، ۱۳۹۱، ص ۴۸). «اشون» فردی است که زندگی راست (اشا) را انتخاب می‌کند. «اشون» به صورت تحت‌اللفظی یعنی: دارای راستی. «اشا» در جای‌جای کتاب مذکور به معنای «راستی» تلقی شده است و در تقابل با «دروج» قرار دارد. «دروج» با «اشا» تقابل و ثنویت بنیادین دارند که مربوط به بحث «ثنویت» است که در عبارات کهن‌تر این دین، ثنویت اخلاقی و کیهانی مطرح بوده است. اما با گذشت زمان، این ثنویت به این صورت تغییر کرد که تقابل میان خوبی و بدی شد. در معنای حاضر، مفهوم ثنویت مزبور به این صورت تغییر یافته است که جهان اشا را مترادف با پاک‌ی و جهان دروغ را مترادف با آلاینش تفسیر می‌کنند (بویس، ۱۳۹۱، ص ۲۱۰).

«اشا» به معنای بهشتی در مقابل دوزخی است. اشا محافظ قانون است (داداچانجی، ۱۹۱۳، ص ۱۹۲). «ترتیب و نظم آفرینش مقدس است؛ زیرا آن را خداوند ایجاد کرده است. گرایش و تمایل به نیکی و خوبی و انجام و رغبت به سوی اکمل فضیلت‌ها، حاکی از نظم آفرینش است. پس عدالت هم می‌تواند عین نظم قرار بگیرد. «عدالت» یعنی: قرار دادن هر چیز در سر جای خویش؛ همان‌گونه است که در طبیعت پس از روز شب فرامی‌رسد و پس از سرما گرمایی. این چرخش و گردش کل کائنات است که از اصولی الهی و مقدس پیروی می‌کنند؛ گردش‌ی که به خودی خود به انحراف نمی‌رود در سوی و به نهایت کمال و سازندگی پیش می‌رود. پس بدی و رذیلت در این چرخه جایگاهی کاذب و غیر ذاتی دارد و در اثر نیات سوء آدمیان به وجود می‌آید (حسین‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۰۹-۱۱۰).

اشا براساس عدل و دادگستری و نظم و راستی و سازگاری و درستی و پاکی و خرد و خوبی و شادی و بینش صحیح ایمان و اعتقاد به خدای یگانه پایه‌ریزی شده است (همان).

کتاب **گات‌ها** نظر مری بویس را با عبارات گوناگون تبیین و تأیید می‌کند و «اشا» را نظام هستی، هنجار آفرینش و قانون ازلی کائنات می‌داند (ساسانفر، ۱۳۹۳، ص ۱۲۰).

کتاب **برهان قاطع** «اشا» را در زبان‌های اوستایی و پهلوی بررسی می‌کند. به نظر نگارنده این کتاب «ارته» و «اشا» به معنای راستی و درستی است (معین، ۱۳۳۲، ج ۱، ص ۱۰۸).

ادارهٔ امور به گونهٔ آرمانی‌اش را در زیر حکومت اشا (در سانسکریت ita) تصور می‌کردند که اصل نظم بود و یا می‌بایستی بود. عدل و داد را اشا می‌توانست بگسترد و رفتار نیک‌مردمان و جای گرفتن مینوهای نیک در دل ایشان را اشا سبب می‌شد. ادارهٔ جهان پیرامونشان را نیز به اشا نسبت می‌دادند. پس به فرمان اشا بود که هر روز خورشید می‌دید، فصل‌ها می‌گردیدند، باران می‌آمد و زایش و رویش بود، و اشا چون تهدید می‌شد اصل بی‌نظمی می‌آمد و گسترش دروغ (به سانسکریت druh = دروه)؛ و مردمان می‌بایست بکوشند به همراه ایزدان تا بازدارند آن را. به هنگام شکست آنان در این کوشش، خشکسالی می‌آمد و گرسنگی و بیماری، بیداد می‌آمد و رنج، خیانت می‌آمد و هراس. این مفهوم رنج که در آن تمامی چیزهای اخلاقی و اجتماعی و جهانی در وضعیتی دلخواه و مناسباند و بی‌نظمی هر از چند گاه بر آن ضربه می‌زند، مفهوم دیگری است که جهانی باید دانستش (بویس، ۱۳۹۳، ص ۱۰۸-۱۰۹-۱۱۴و۱۱۵).

اشا در امور گیتی و در امور اجتماعی وظایفی داشت. اشا مفهومی در جنبه‌های اجتماعی و کیهانی محسوب می‌شود. به اشا خطاب‌هایی در جهت افزونی بهبودی جهان شده است. اشا نظم جهان مادی را بر عهده داشت. از نظر ایرانیان باستان، اشا دوست جوانان قبیله بود (همان).

چنین می‌نماید که «اشا با جهان مرده آفریده در وجود نیامده، که از روز ازل در خلأ، پیش از آفرینش وجود داشته است» (بویس، ۱۳۹۳، ص ۱۲۷). در عرف هندو - ایرانی، اشا نه تنها باید حس می‌شد که نظم راستین و رفتار راستین است، بلکه باید به‌واقع چنین می‌بود. اما دروغ که نامنظم و ناراستی می‌بود، جز تصویر مخدوش و اشتباه‌آلودی از اشا نبود (همان، ص ۱۳۸).

اشا با کردارهای ایزدان و مردمان درست‌اندیش نیروی بسیار می‌گیرد (همان، ص ۱۴۳). اشا بر دروغ چیره می‌شود (همان، ص ۱۴۴). احترامی ژرف به اشا پیشکش شده است (همان، ص ۱۶۳). «نیایشگران در میان مراسم اعلام می‌کنند که از طریق «اشای زیبا» است که پندار و گفتار و کردار نیک را گزیده‌اند و آن را بهترین می‌دانند برای «وجود دوگانه» - مادی و غیرمادی (همان، ص ۱۶۴). اشا نماد آتش است (همان، ص ۱۶۵). اشا ابزار عدالت است (همان، ص ۱۶۶).

این الگوی مشخص یشت است: مدافعان دین و به بیان کلی پشتیبانان اشا نمازهایشان اجابت و آرزوهایشان برآورده می‌شود (همان، ص ۲۰۵).

اشا جزو ایزدان کیش اوستایی است که سندها و سنگ‌نبشته‌های آرامی هخامنشیان از رهگذر نام‌های ترکیب‌شده با

خدا آشکار می‌کنند که ستایش دیگر ایزدان کیش اوستایی در میانشان رواج داشته است (همان، ص ۲۲۶). پلوتارخ «اشا» را ایزد حقیقت می‌نامد (همان، ص ۲۳۰).

نگرش آیین زرتشت به جهان هستی، پیروی و پیوستن به قانون اشا است. از دیدگاه او خداوند جان و خرد جهان را به شکل هنجاری آفریده که بر تمام هستی حکم فرماست و او این هنجار و نظم حساب شده را «اشا» می‌نامد. استواری قانون اشا بر جهان هستی بازتاب اراده و خواست پروردگار است. انسان باید خود را با هنجار هستی همگام و همراه سازد؛ راستی و درستی، مهر و فروتنی و فروزه‌های نیک انسانی را در خود پرورش دهد. تا با هنجار اشا همراه و همگام شود. قانون اشا نیروی هماهنگ‌کننده جهان هستی است و هیچ پدیده‌ای از اتم تا کهکشان وجود ندارد که بر پایه این هنجار هماهنگ استوار و پایدار نباشد (نیکنام، ۱۳۸۵، ص ۵).

اشا ازلی و ابدی است و همچنین هنجار اهورایی، اخلاقی و اجتماعی را در آفرینش سامان می‌بخشد. دگرگونی در ذات آن جایگاهی ندارد. قانون عدل و دادگستری و راستی، و پایه‌اش بر فضیلت است. به گفتار زرتشت اگر اشا در زندگی افراد جای بگیرد مدینه فاضله آرمانی بر دنیا حاکم می‌گردد و نقصان جامعه بهبود می‌یابد.

نتیجه‌گیری

بررسی‌ها نشان می‌دهد تعیین معنای دقیق برای مفهوم «اشا» و «دهرمه» مشکل است، اما این دو مفهوم دارای نقاط اشتراک و افتراقاتی هستند:

یکم. با بررسی انجام گرفته، مشابهت‌های زیادی بین این دو مفهوم وجود دارد. گاه هر دو در مقام ایزد قرار می‌گیرند؛ گاه هر دو در معنای نظم، عدالت، عدل، هنجار آفرینش، نظام هستی، قانون ازلی کائنات، محافظت از قانون، اداره جهان به کار رفته‌اند. از سوی دیگر آنچه مدنظر است اینکه هر دو با انسجام فردی و اجتماعی سروکار دارند و با امور اجتماعی مرتبط هستند و مردم نقشی اساسی در برقراری آنها داشته و باید با اعمال نیک خود، در قوت گرفتن دهرمه و اشا بکوشند تا آن دو به پایداری خود در هستی ادامه دهند. ذات اشا و دهرمه به گونه‌ای است که سرانجام اشا بر دروغ، و دهرمه بر ناحقی چیره می‌شوند. دگرگونی در ذات اشا و دهرمه راه ندارد و هدف هر دو چیزی جز نجات و رستگاری نیست. کسانی که اشا را رعایت کنند در زمره پاکان قرار می‌گیرند و به سعادت می‌رسند و کسانی که دهرمه را رعایت کنند به «مکشه» می‌رسد و خود افراد در نیکبختی فردی و اجتماعی سهیم‌اند.

دوم. با وجود اشتراکات بسیاری که بین مفهوم «اشا» و «دهرمه» وجود دارد، تفاوت‌هایی هم وجود دارد. با بررسی مفهوم «اشا» گاهی ثنویت پدیدار می‌شود و همواره مفهوم اشا در تقابل با دروغ مطرح است و ضد دروغ بیان می‌شود. این در حالی است که در مفهوم «دهرمه» ثنویت وجود ندارد.

منابع

اوشیدری، جهانگیر، ۱۳۷۱، *دانشنامه مزدیسنا*، تهران، نشر مرکز.

بویس، مری و دیگران، ۱۳۴۸، *دیانت زرتشتی*، ترجمه فریدون وهمن، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

_____، ۱۳۹۱، *مقدمه‌ای بر دین ایران باستان*، ترجمه خسرو قلی‌زاده، تهران، هزاره‌های دنیای باستان.

_____، ۱۳۹۳، *آیین زرتشت*، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران، نگاه.

بهار، مهرداد، ۱۳۸۸، *ادیان آسیایی*، تهران، چشمه.

پارتیج، کریستوفر، ۱۳۹۲، *سیری در ادیان جهان*، ترجمه عبدالعلی براتی، تهران، ققنوس.

پورداوود، ابراهیم، ۲۵۳۶، *یشت‌ها*، تهران، دانشگاه تهران.

حامدی، گلناز، ۱۳۸۴، «سیر تاریخی لفظ دین در جوامع گوناگون»، *اخبار ادیان*، ش ۱۶، ص ۴۹-۴۶.

حسین‌زاده، آناهیتا، ۱۳۹۰، *آیین و تسریع زرتشتی*، تهران، اردیبهشت.

ساسانفر، آبتین، ۱۳۹۳، *کات‌ها*، تهران، بهجت.

شهزادی، رستم، ۱۳۸۶، *واژه‌نامه پانزد*، تهران، فروهر.

کری‌یر، زان کلود، ۱۳۹۰، *مهابهاراتا*، ترجمه بهمن کیارستمی، تهران، ماه ریز.

معین، محمد، ۱۳۳۲، *برهان قاطع*، به اهتمام و حواشی محمد معین، تهران، سینا.

نقیب‌خان، ۱۳۸۰، *مهابهارت*، به کوشش محمدرضا جلالی نائینی، تهران، طهوری.

نیکنام، کوروش، ۱۳۸۵، *آیین اختیار*، تهران، تبس.

_____، ۱۳۹۳، *کنکاشی بر زندگی و اندیشه زرتشت*، تهران، بهجت.

Bhagavad Gita According to Gandhi, 2012, edited by Radhisu M, Orient Publishing.

Buck, Willam, 2000, *Mahabharat*, Arrangement with University of Delhi, California Press.

Dadachanji, Faredun Kavasji, 1913, *Light of the Avesta and the Gathas*, Columbia University.

Dhammajoti, Bhikkhu, K. L., 2012, *Lodro Sangpo, Gelong, Abhidharmakosa-Bhasya of Vasubandhu*, Motilal Banarsidass.

Dwivedi, 2016, *Studies in Mimamsa*, Motilal Banarsidass.

Geraets, wil, 2011, *The Wisdom Teachings of Harish Johari on the Mahabharata*, Bear & Co.

Matilal, Bimal Krishna, 1989, "Caste, Karma, and The Gita", in *Ethics and Epic*, Eedited by Jonardon Ganeri, New York, Oxford University Press.

-----, 2014, *Bimal Krishna, Moral Dilemmas in the Mahabharata*, Motilal Banarsidass.

Rāya Pratāpacandra, Ganguli, Kisari Mohan, 1884, *The Mahabharata of Krishna-Dwaipayana Vyasa Translated Into English Prose: Adi parva*, Sabha parva, Bhārata Press.

-----, 1886, *The Mahabharata of Krishna-Dwaipayana Vyasa, The Mahabharata of Krishna-Dwaipayana Vyasa, Pratāpacandra Rāya*, Oriental Publishing Company.

Rinehart, Robin, 2004, *Contemporary Hinduism: Ritual, Culture, and Practice*, ABC-CLIO.

Saigal, Krishan, 2000, *Vedic Management: The Dharmic and Yogic Way*, Gyan Books.

Savant, Arvind, 2011, *Discovery of God*, Xlibris Corporation.

Shukla, M, 2010, *Nilesh, Bhagavad Gita and Hinduism: What Everyone Should Know*, Readworthy.

Tiwari, Kedar Nath, 1998, *The Mahabharata of Krishna-Dwaipayana Vyasa*, Translated Into English Prose Classical Indian Ethical Thought: A Philosophical Study of Hindu, Delhi, Motilal Banarsidass Publishe.

Wilson, H.H., M.A. F.R.S, 1857, *Rig-Veda, a collection of ancient hindu hymns*, London, Wm. H. Allen and company.